

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملالی موسی نظام
۱۸ نومبر ۲۰۰۸

قندهار، ماتم سرای ملی افغانستان سرزمین سوگواران!!

از اولین روز های ورود قوای بین المللی بعد از هفتم اکتوبر ۲۰۰۱ که ما و شما قدم شانرا به فال نیک احیای صلح و باز سازی «!» سرزمین ویران و جنگ زده ملت افغان استقبال نموده بودیم، اولین کشتار فجیع بر غیر نظامیان، درست مثل همین حمله وحشیانه و غیر بشری ۵ نومبر امسال برولسوالی «شاه ولی کوت» ولایت قندهار، در همان سال هم، بر یک مجلس عروسی صورت گرفت که مجلس شادی را در قریه ای از ولایت ارزگان، به ماتم سرا تبدیل نمود. در آن بمبارد مان که مثل چند روز قبل، مردم قریه برای آغاز زندگی دو نوجوان خود مجلس عروسی آنانرا به کمک هم سر برآه نموده بودند، بی محابا طیارات بم افکن فضای دهکده کوچک را بهم ریخت و آوای شادی و هلهله که با آوردن داماد به محفل به اوج خود رسیده بود با ریختن بم های آتش زا در سینه ها خشکید و اجساد دهها بیگناه به خاک و خون غلتید.... ضجه زخمیان، فرزند مردگان و عزیز از دست دادگان در آن شب مرگبار در فضا اوج گرفت....

از آن حادثه وحشتناک که هفت سال میگذرد، حامد کرزی و ارگان های حقوق بشر با اعتراضات شدیدی علیه بمباردمان بر بیگناهان غیر نظامی، که حمله کنندگان قوای امریکایی «اشتباه» مرتکب گردیده بودند، قضیه را جدی گرفتند. گفته شد که چون در آن شب از طرف اهالی برای استقبال و شادی به رواج عنعنوی تفنگ زیاد فیر شده بود، قوای بین المللی در اثر نابلدی بر «اوضاع» گمان برد «!» که طالبان در آن منطقه اجتماع کرده اند ازین رو دست به چنان حمله سهمگین زدند!!

بعد از جریان حادثه مذکور که گمان میرفت در اثر خبط و عدم شناسایی «اشتباه» غیر قابل جبرانی پیش آمده بود، اقلاً بحیث درس عبرتی که تکرار نخواهد شد، از جانب قوای مسلح خارجی در افغانستان قبول خواهد گردید. ولی امروز بعد از سپری شدن هفت سال از اشغال افغانستان توسط قوای ناتو و عساکر امریکایی، بمباردمان های چپ و راست هوایی که در پهلوی هزاران هزار نفر کشتگان بی دفاع در اکثریت ساحه های جنوب، جنوب غرب و جنوب شرق، هزاران دیگر با زخم های مهلک، عزیز از دست داده و کاشانه فر ریخته، درمانده و سرسام و هراسان بجا می ماندند.... در کنر ۱۶ نفر از اهالی در اثر حمله هوایی جان خویش را در پهلوی زخمیان از دست میدهند.... در جنوبی در یک کشتزار دهقان و خانواده او و همسایگانش به قتل میرسند.... در عزیز آباد ولسوالی شیندند، بزرگترین تراژدی به شکل یک بمباردمان مدش غیر بشری، بساط یک گردهم آئی بزرگ را که مراسم خیرات - این رواج پسندیده افغانی - را برهم میریزد، طوریکه تصاویر جانخراشی از اجساد کوچک کشتگان، اکثر اطفال و خردسالان و زنان و اعضای پراکنده بدن آنان در صفحات تلویزیون های جهانی و سایت های انترنتی سوگواری می آفریند.... و فردای مصیبت آفرین آن، ده ها عکس از قبرهای گوناگون ۹۵ کشته بیگناه بیدفاع به دید جامعه بشری قرار میگیرد.... در حالیکه خبر رسمی با وقاحت، صرف از ۶ کشته «!» خبر میدهد!

جریان حادثه بصورت مفصل در مطبوعات داخلی هم پخش میگردد، حامد کرزی باز هم یکی از «اخطاریه» ها را به قوای بین المللی میفرستد و شورای افغانستان هم صدائی بلند مینماید وووو... قضیه تکراری که شاید به مشتی پول ناچیز از جانب حمله کنندگان معامله «!» گردد، باز هم کاملاً به دست فراموشی سپرده میشود!

هنوز دیری نگذشته است که سعید آباد «وردک» ناظر قربانیان بی گناه خود توسط بم های انسان سوز میگردد... باز هم فامیل، ها، عزیزان از دست میدهند و ناله و فریاد به آسمان میرسد و قبرستان ها اشغال میگردد و بیرق های رنگارنگ مزار شهداء را زینت میدهد و اطفال اگر خود نمرده اند معیوب میشوند و یتیم میگردند. با تکرار مکررات غیر مترقبه حملات هوایی و کشتار بیگناهان و بی دفاعان، همان طوری که در بالا ذکر گردید، اینبار حادثه خونبار، تاریخ ۵ نومبر در منطقه «شاه ولی کوت» ولایت قندهار رخ میدهد.

قندهار در طول تاریخ از یکسو مهد میرویس هوتکی، شاه محمود هوتکی و احمد شاه درانی، وزیر محمد اکبر خان و جایگاه بسیاری از شیر مردان و شیر زنان مدافع این آب و خاک بوده است و از جانب دیگر غنای طبیعی و حاصلات زراعتی فراوان، همیشه این ولایت را خود کفا و اهالی آنرا بی نیاز ساخته بود. افسوس که این سرزمین معمور و آباد کشور، امروز آماج کشتار اهالی بی دفاع، هم از جانب قوای خارجی میباشد و هم با جنایات غیر بشری طالبان و دیگر جنایتکاران، هرگوشه و کنار آن با عملیات غیراسلامی انتحاری تیزاب انداختن بروی دختران بیگناه، حریق نمودن ده ها مکتب و مرکز علمی، گردن بریدن جوانان بیگناه ولایت کنر و و به ماتم خانه ابدی مبدل گردیده است، که حیات اهالی هر لحظه با خطرات دائمی و مرگبار، از هر جانب مواجه میگردند.

باری درین ولایت، در يك محفل عروسی بازهم جنگنده های مخرب با بم های سنگین وزن آتشین بر آن اجتماع شادی و سرور حمله ور گشته و اهالی مظلوم و بی دفاع آنرا به ماتم ابدی نشانید... باز هم اجساد تکه پاره گردیدند... بازهم عزیزان مجروح و معیوب شدند و یا به شهادت رسیدند، بازهم مادران داغدار گردیدند و فرزندان یتیم شدند... بازهم خانه و کاشانه ویرانه سرا گردید و حاصلات زراعتی طعمه حریق شد... بازهم قریه به قبرستان مبدل گشت... بازهم گورهای کوچک و بزرگ با بیرق های رنگارنگ، اکثراً با چادر های قشنگ و کیش های ملون شهدای خود زینت یافتند... و بازهم فریاد بیگناهان، مظلومان و بی وسیلگان تا عرش مجید رسید، بازهم ...

سال هاست که بعد از بمباردمان ها و حملات خانه بر انداز جت های مخرب بر مظلومان ولایت قندهار، کوچ کردن های اجباری، ترك ده و دیار با وسائل ناچیزی در حالی که قریه، زمین زراعتی و باغهای میوه ویران و طعمه حریق گردیده است، هزاران تن اهالی آن مناطق، رو به پایتخت و یا جاهای دیگری آورده اند. این بی سرنوشتان در سرمای تحت الصفر کابل در سال گذشته از منطقه «پنجوائی» ولایت قندهار به «چهار راهی قبر» در شهر کابل در خیمه های پلاستیکی با اطفال خویش در حالی که به مریضی های گوناگون مبتلا بودند، اجباراً پناه گزین شدند؛ اطفال شان که به نسبت هوای گوارای گرم سیر، در يك لباس نازک زندگی مینمودند، در سرمای تحت الصفر کابل، در خیمه های پلاستیکی از سرما منجمد گردیدند و خاموشانه به سینه بغل و امراض ناآشنای دیگر مبتلا گشته و بدون دوا و داکتر در آغوش خانواده تلف گردیدند!!

امسال زمستان دیگری از راه میرسد... کوچ کثی های اجباری و ترك دیار و از دست دادن مایحتاج اولیه، باز هم خواب های وحشتناک تری را برای مظلومان خانه بدوش قندهار، هلمند و دیگر نقاط جنگ زده ویران ملک ما دیده است. ولایت قندهار تنها سرزمینی نیست که به مصیبت بمباردمان های کور و بی موجب و کشتار بی رحمانه اهالی بیگناه سردچار میباشد، مشت نمونه خروار، همه مناطق شرق، جنوب و جنوب غرب افغانستان وحشت آفرین و غیر قابل معیشت و زندگانی گردیده است.

در افغانستان امروز، در پهلوی فساد بی حد و حصر اداری، چور و چپاول دارائی های عامه، اشغال اکثر کرسی های پارلمان توسط مجرمین جنگی و فقر و تقسیم غیر عادلانه عایدات، بیکاری وحشتناک، قبول خود مختاری قوای اشغالگر خارجی و ضعف غیر قابل قید و شرط اولیای امور اداری با تخریبات و فعالیت های علنی گروه های متعلق به همسایگان منجمله اجتماع مخرب «جبهه نا متجانس غیر ملی»، اوضاع بحرانی و عدم ثبات اقتصادی و سیاسی بوجود آمده است، که پیش بینی هیچ نوع بهبود و راه برورفت برای آن در شرائط فعلی متصور نمیشد!